

ادامه‌ی کلام شیخ انصاری:

۱. مرحوم شیخ با توجه به بطلان این نوع از قمار (لعب مع المراهنه بغير آلات قمار) می نویسد:
« ثم إنَّ حکم العوض من حيث الفساد حکم سائر المأخوذ بالمعاملات الفاسدة، يجب ردّه علی مالکة مع بقاءه، و مع التلف فالبدل مثلاً أو قيمة.»^۱
۲. ایشان سپس به یک بحث کلامی ورود پیدا می کنند:

« و ما ورد من قیء الإمام (علیه السلام) البیض الذی قامر به الغلام؛ فلعلّه للحذر من أن یصیر الحرام جزءاً من بدنه، لا للردّ علی المالك. [چرا که آنچه واجب است، ردّ بدل آن تخم مرغ است. و با ردّ بدل برائت ذمه حاصل می شد و نیازی به قی نبود]

لکن یشکل بأنّ ما کان تأثیره كذلك یشکل أکل المعصوم (علیه السلام) له جهلاً؛ بناءً علی عدم إقدامه علی المحرمات الواقعیة غیر المتبدلة بالعلم [یعنی آنچه حرام شدن آن متوقف بر معلوم بودن نیست. مثل هر جایی که علم در موضوع دخیل اخذ شده باشد]. لا جهلاً و لا غفلة؛ لأنّ ما دلّ علی عدم جواز الغفلة علیه فی ترک الواجب و فعل الحرام دلّ علی عدم جواز الجهل علیه فی ذلك.

اللهم إنا أن یقال: بأنّ مجرد التصرف من المحرمات العلیمة و التأثير الواقعی غیر المتبدل بالجهل إنّما هو فی بقاءه و صیورته بدلاً عمّا يتحلّل من بدنه (علیه السلام)، و الفرض أطلّعه علیه فی أوائل وقت تصرف المعدة و لم یستمرّ جهله.

هذا کلّه لتطبیق فعلهم علی القواعد، و إنّما فلهم فی حرکاتهم من أفعالهم و أقوالهم شؤون لا یعلمها غیرهم.»^۲

جمع بندی حکم تکلیفی و حکم وضعی اصل لعب مع الرهان بغير آلات القمار:

۱. با توجه به اینکه گفتیم «لعب مع الرهن» قمار است، تمام ادله حرمت قمار بر این مورد صادق است و برای اثبات این قسم، محتاج ادله‌ای دیگر نیستیم.
۲. سخن صاحب جواهر مبنی بر اینکه ادله تحریم قمار منصرف به «لعب مع آلات بالرهن» است، قابل قبول نیست چرا که اولاً چنین ادعایی (ادعای انصراف) بلا دلیل است و ثانیاً این ادعا در روایاتی از قبیل روایت جابر (که سخن از قمار بودن جوز و بیض کرده بود) جاری نیست.

۱. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری) ط تراث الشیخ الأعظم، ج ۱، ص ۳۷۹

۲. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری) ط تراث الشیخ الأعظم، ج ۱، ص ۳۷۹





۳. اما «فساد» (حرمت وضعی) این قسم هم علاوه بر اینکه اجماعی است، قابل استفاده از آیه شریفه نهی از اکل مال بالباطل است. چرا که وقتی این قسم را قمار دانستیم می‌توان، آن را از صغریات اسباب باطل به حساب آورد و تصرف در مال حاصل از آن را حرام دانست و به طریق برهان *إِنّی*، عقدی که اثر مالکیت بر آن مترتب نمی‌شود را فاسد به حساب آورد.

۴. اما نکته مهم آن است که از این قسم برخی از موارد استثناء شده‌اند. این موارد -رهان در خوف و حافر و ریش و نصل- از مصادیق قمار هستند چرا که در همه این موارد هم لعب موجود است و هم بازیگرها، وجهی را به عنوان رهن، برای برنده قرار داده‌اند. در ادامه ادله این استثناء را با هم می‌خوانیم:

استثناء موارد منصوصه:

۱. چنان که خواندیم، لعب مع الرهن در برخی از امور در لسان روایات و کلام فقها، جایز دانسته شده است و لذا این امور را می‌توان از زمره مستثنیات از «حرمت لعب مع الرهن مطلقاً» دانست.

این امور را فقها معمولاً در کتاب سبق و رمایه مورد بحث قرار می‌دهند:

۲. *سَبَقُ* (به سکون باء) مصدر *سَبَقَ* و یا سابق است^۱ و آن را چنین تعریف کرده‌اند:

«معاملة على إجراء الخيل وما شابهها في حلبة [گروه اسب‌های مسابقه] السباق، لمعرفة

الأجود منها والأفرس [بهترین سوارکار] من المتسابقين»^۲

و *سَبَقُ* به معنای عوضی است که به عنوان گرو (رهن) قرار داده می‌شود.^۳

۳. «رمایه» (که در لغت به معنای پرتاب کردن است) را هم چنین تعریف کرده‌اند:

«معاملة على المناضلة [رزم، پیکار، نبرد] بالسهم مثلا ليعلم حذق [حاذق بودن، ماهر بودن]

الرامي ومعرفة بمواقع الرمي.»^۴

۴. صاحب حدائق در بیان اینکه این گونه مسابقه‌ای دارای فائده بوده است می‌نویسد:

«قالوا: و فائدته بعث النفس على الاستعداد للقتال و الهداية لممارسة النضال، لكونه من أهم

الفوائد الدينية في الجهاد للأعداء الذي هو معظم أركان الإسلام، و بهذه الفائدة خرج عن

اللهو و اللعب المنهي عنهما، و عن المعاملة عليهما»^۵

۱. الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۹۴

۲. ن ک: جواهر الكلام، ج ۲۸، ص ۲۱۲؛ رياض المسائل، ج ۹، ص ۴۰۴

۳. همان

۴. همان

۵. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ۲۲، ص ۳۵۳

قریب به همین فائده را محقق حلی هم مورد اشاره قرار داده است و صاحب جواهر آن را چنین شرح کرده است:

«وفائدتها بعث العزم وتهيؤه على الاستعداد للقتال والهداية لممارسة النضال في حرب الكافرين»^۱

۵. چنانکه روشن است، این دو اصطلاح به معنای نوعی معامله و عقد هستند که در ضمن آنها، بین طرفین مالی قرار داده می‌شود که در پایان برنده آن را مالک می‌شود



۱. جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۲۱۲